

# نویسند

(وابسته به حزب سوسیالیستی ایران)

شماره ۴ - دی ماه ۱۳۰۰

## جبهه ضد دیکتاتوری

خواستار ملی مردم ما و نیاز مبرم جنبش ما است

در این شماره:

- ۱- جبهه ضد دیکتاتوری
- ۲- تندیس روزبه در ایتالیا
- ۳- اوج جنبش دانشجویی
- ۴- در یک کشور سوسیالیستی
- ۵- سندی درباره فعالیت مراکز جاسوسی امریکادریان
- ۶- اطلاعات
- ۷- خبرها

تجاوز به خاله، همسایگان و سرکوب جنبش دانشجویی، بیخیزن در منطقه میگردانند، هم زندگیشان را که باید پارامدی این سیاست ضد خلقی را بدون بکشد، ناراضی می سازد و هم موجب ناخشنودی سرایان و اضران می شود مگر جان نشان بازچه این سیاست ضد ملی شد ما است .  
بقیه در صفحه ۲

حزب توده ایران و حزب ایبه کارگر ایران با احساس مسئولیت کامل در برابر ایبه کارگر و انقلابی ایرانها درک عمیق و غایب تاکتیکی و استراتژیک جنبش انقلابی ایران و موافق اتحاد نیروهای ضد رژیم را شرط اساسی برای سرنگون ساختن رژیم استبدادی شاه دانسته و لذا با تمام نیرو و به طور خستگی ناپذیر برای تحقق این اتحاد مبارزه کرده است .

نژادش بیرون برد هر دو آری از

## تندیس روزبه در ایتالیا

ایرانی در مطبوعات و مکرراتیک ایتالیا از جمله روزنامه اونیتا چاپ شد . آنگاه قرار بر این گردید روز ۲۳ اکتبر ۱۹۷۶ (شنبه اول آبان ۱۳۰۰) از تندیس یاد بود روزبه ، قهرمان ملی ایران پرده برداری شود . این مراسم در همین روز باشکوه و هیجان کم نظیری در میدان شهر میان رومانو برگزار گردید .

رژیم اولیا ، متضد ایرانی ، مجسمه ای به یاد خسرو روزبه منصوب کرد مرکزی حزب توده ایران و قهرمان ملی ایران ساخته و به شهر میان رومانو که در سی کیلومتری رم پایتخت ایتالیا قرار دارد اهداء کرده است . یادداشت این مجسمه که از برنز ساخته شده و مردی را نشان می دهد که دست های او از پشت بسته اند و خطوط چهره و عضلات پدید آمده و در نیم کشید فانی رنج و مقاومت او نشان می دهد . شهردار میان رومانو تصمیم گرفت آن را در میدان مرکزی شهر میدان دستور و اماتول سرور و سر ساختمان شهرداری قرار دهد .

دعوت کمیته مرکزی حزب توده ایران از تمام نیروهای ضد رژیم استبدادی شاه برای تشکیل جبهه ضد دیکتاتوری گام تازه ای در این راه به شمار می رود و در شرایط کنونی همین ما دارای اهمیت ویژه ای است . تا زکی و اهمیت آن در چیست ؟

### شماره ۴

به استثنای خاندان پهلوی و کارگزاران رژیم مگر مجرم کارگزاران امپریالیسم هستند موافق شوم سیاست ضد ملی و ضد مکرراتیک رژیم استبدادی شاه در همه عرصه های زندگی و به درجه مختلف و اضطرار می شود .

در استان گسارین مجسمه یاد بود خسرو روزبه در میدان شهر میان رومانو شهرداری این شهر سازمان مجلسی حزب کمونیست میان رومانو سایر نیروهای مکرراتیک با سه پلاکات بزرگ از مردم این شهر برای شرکت در مراسم پرده برداری دعوت کردند . بروشه جد آگامای ، نیز که تصویر مجسمه روی آن چاپ شده بود به زبان های ایتالیایی و فرانسه با عنوان "به یاد خسرو روزبه قهرمان ملی ایران" انتشار یافت . در این جزوه پشت بانی لوتجی لوتکو فرانس حزب کمونیست ایتالیا بهترین فرانس حزب سوسیالیست ایتالیا اود ویرا سبی ۶۰ پیر سیاسی ، حزب جمهوری و بقیه در صفحه ۳

تصمیم شهرداری میان رومانو مورد پشتیبانی احزاب و سازمان های مکرراتیک شهر از جمله حزب کمونیست ایتالیا ، حزب سوسیالیست ، حزب سوسیال دموکرات ، حزب جمهوری و اتحادیه کارگران و سازمان جوانان کمونیست قرار گرفت . در سطح کشور نیز تمام احزاب و سازمان های مکرراتیک ایتالیا از این تصمیم حمایت کردند مگر مجسمه ساخته رضا اولیا ، متضد

آن سیاست اقتصاد و که ثروت های ملی ما و قبل از همه و بیش از همه نفت ما را به غارت امپریالیست ها می دهد و بازار سرمایه و کالای ما را عرصه تاخت و تاز غارتگران امپریالیست ها و سرمایه داران وابسته به آن ها می سازد و موجب بیکاری ، تورم ، ترانژیکایی و ناپایداری کالای گردد . هم کارگزاران به گرسنگی محکوم می کند و هم در قانون بر خاندان می سازد و هم پیشه بردار از پای در می آورد و هم سرمایه دار ملی را به ورشکستگی کشاند .

آن سیاست خارجی که ایران را در غنای بیرونی امپریالیسم در تلخ فارس به نظامیگری ، سابقه تسلیم انسی و

خرافت‌درویه افزایش است. لذا هریرا کند مای که از فراسر باز  
و افسران از خدمت بی‌الخارج و حبس و اعدام آن‌ها منتظر  
می‌شود و بازتابی از این واقعیت است.

زنان و دختران جوان دوزخ به دوزخ مردان در کارخان  
مزرعه و دانشگاه به صحنه مبارزه می‌آیند و نمونه‌های  
احباب آوری از بیگانه‌جویی، مقاومت و دل‌بری نشان می‌دهند.  
و سرانجام حتی عناصر و قشرهایی از طبقه حاکمه  
ناخشنود از آنچه که در آن‌ها رخ می‌گیرد و نگران از آینده  
نامطمئن که رژیم در برابر آن‌ها قرار داده است طلب به  
اعتراض و مخالفت می‌کشند.

همه این‌ها نشانه آن است که دوران فریاد نه‌بخت  
پایان یافته و دوران «اعتلا» جنبش‌فرای رسد.

فشار متمرکز و واکنش پراکنده

اگر فشار همه‌گیر و متمرکز است واکنش همگانی در برابر  
این فشار پراکنده است. محدودیت‌های طبقاتی، تنگ  
نظری‌های گروهی، کورته‌بینی‌های سیاسی، گمراهی‌ها و  
درک‌های سیاسی و ایدئولوژیک همراه با خرابکاری‌های  
عوامل دشمن در صفوف نیروهای ضد رژیم و مهم‌تر از همه  
آنتی‌کمونسم و طلحه‌ده این پراکنده‌گی است. این پراکنده‌گی که  
غالباً با خصومت، به ویژه علیه حزب توده ایران، و نیز عمداً  
است تاکنون لطافت سنگینی به جنبش ضد رژیم مستبد ادی  
شاه وارد آورده است. و به همان اندازه که فشار رژیم  
همه‌گیرتر و شدیدتر می‌شود به همان اندازه که واکنش  
در برابر فشار همگانی تری شود و جنبش‌پرو به «اعتلا» می‌رود.  
زبان چنین پراکنده‌گی و خصوصاً آشکارتر می‌شود.

جبهه ضد دیکتاتوری

برای آن که پراکنده‌گی پایان یابد و واکنش همگانی در برابر  
فشار همه‌گیر به نتیجه برسد محزب توده ایران تشکیل  
جبهه متحد ضد دیکتاتوری را پیشنهاد می‌کند. چرا؟

با این که فشاری که از طرف رژیم مستبد ادی شاهر  
طبقات و اقشار گوناگون جامعه وارد می‌آید یکسان نیست، با  
این که طبقات و اقشار گوناگون که به قاطبه با این فشار  
می‌پردازند، دارای ضایع گوناگون و گاه متضاد و در نتیجه  
دارای عقاید سیاسی و اجتماعی گوناگون و گاه متضاد انده‌ها  
این که نیروی‌هایی که آن‌ها برای مقاومت و مبارزه بکار می‌برند  
گوناگون و گاه متضاد هستند، با این که هدف و روی‌گمان‌ها  
در برابر خرد قرار داده‌اند گوناگون و متضاد است، با این همه  
تمام این طبقات و اقشار، علی‌رغم گونه‌گونی و تضاد یک دشمن  
مشترک نزدیک دارند و آن رژیم مستبد ادی شاه است و لذا  
یک هدف مشترک نزدیک دارند و آن سرنگون ساختن رژیم  
مستبد ادی شاه است.

اگر درست است که واکنش پراکنده در برابر فشار متمرکز  
در هر رژیم با سرسختی و شجاعت توأم باشد، قادر به غلبه  
بر فشار متمرکز نیست، و اگر درست است که پراکنده‌گی و خصوصاً  
در بین نیروی‌های ضد رژیم زیان بخش است و فقط به سود

جبهه ضد دیکتاتوری . . . .

هم مخالفت میهن پرستان را برمی‌انگیزد مکه استقلال و  
حاکمیت ملی خود را پایمال می‌ساختند این‌ها نیستی می‌بینند و  
هم مایه نگرانی عناصر واقع‌بینی می‌شود که عواقب خطرناک  
این سیاست ماجراجویانه را درک می‌کنند.

آن سیاست فرخنگی که در مدرسه راه‌روی نمی‌ازکودگان  
صهین‌بایسته و هزاران نفر از جوانان ضحای تحصیل‌آینست  
در دانشگاه نگاه داشته است و به جای مدرسه و دانشگاه  
زندان و سربازخانه می‌سازد، هم جوانان روشنفکران را به  
صیان‌وامی دارد و هم نارنجایی میلیون‌ها و میلیون‌ها پاره‌رومال  
را موجب می‌گردد.

و سرانجام آن رژیم ترور و اختناق که ایران را به زندان  
بزرگی مبدل ساخته و سایه شوم ساواک را بر همه جا محنی  
در میان خانواده‌ها گسترده و برای حفظ خود هرگونه پراز  
ناخشنودی را از اجانب هرکه باشند و به حوشکل برورکنند، با  
زندان و شکنجه و گلوله‌بارش می‌دهد و نارنجایی و نگرانی حتی  
به قشری از طبقه حاکمه نیز سرایت می‌دهد. بدینسان جامعه  
ایران زیر فشار همه‌گیر رژیم مستبد ادی‌شاه به سوی یک بحران  
عمومی می‌رود.

واکنش همگانی

فشارهای همه‌گیر به ناچار واکنش همگانی را برمی‌انگیزد  
سیاست ضد ملی و ضد دموکراتیک رژیم مستبد ادی شاه مکه  
در همه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، نظامی و فرهنگی  
عواقب شومی را برای طبقات و اقشار گوناگون خلق به بار آورده  
است. جبهه این طبقات و اقشار را برای دفاع از حقوقی  
و ضایع خود به مقاومت و مبارزه وامی‌دارد:

جنبش‌های اقتصادی و طبقاتی طبقه کارگران ایران از نظر کمی  
کیفی و در سطح واقعی گسترش می‌یابد. انتصاب بیش از ۳۰  
هزار کارگر در ۲۶ کارخانه فقط در ماه اردیبهشت مکه با  
تشکل و مقاومت شایان شمسی صورت گرفته نمونه بارزی  
از این واقعیت است.

دشمنان برای دفاع از آنچه در جریان اصلاح ارتشی  
ملی مبارزه به دست آورده‌اند، ولی اجرا نمی‌شود، برای  
تحقق اصلاح ارتشی دموکراتیک به پای می‌خیزند. برخورد  
آن‌ها با مالکان و واندانها فزونی می‌گیرد.

جوانان و دانشجویان و روشنفکران برای دموکراسی  
کردن محیط تحصیلی و فرهنگی مردانه مبارزه می‌کنند. استقرار  
رسمی پلیس در دانشگاه‌ها و مراکز عالی آموزشی، تعطیل  
درازدت و بی‌دستی آن‌ها و افزایش تعداد روشنفکران زند  
نشانی از گسترش این جنبش است.

روحانیون ترقی‌خواه صاحب‌و‌داران مذهبی را بکانون  
مقاومت و مبارزه بر ضد رژیم مستبد ادی شاه مبدل کرده‌اند.  
در تهران مذهبی و اقشار جدیدی از روحانیون که پیوند خود  
را با مردم حفظ کرده‌اند، بعضی از پیش به صحنه مبارزه می‌آیند.  
نارنجایی و مقاومت در بین بازاریان و افسران میهن پرست و

تندیس روزه . . . .

ایتالیا، جو زنده ساراگات و دهریزب سوسیال دموکرات ایتالیا زنا تو کو زوتو و نقاش سرشناس این کشور و عضو زبگونیست ایتالیا و سناتور از کار خرمند پرچمسته ایرانی رضا اولیا درج شده بود. جزیره باستان روزه "من به اقتضای آتش که به خاطر خدمت به خلق های ایران در درون سینمام شعله می کشد راه حزب توده ایران را برگزیده ام و باید اندهان کنم که جانم استخوانم و خونم و کزخم و پوستم و همه تار و پود وجودم این راه را راه مقدسی شناخته است" به زبان های فارسی و ایتالیایی تزیین ردیده بود.

جنبه نرد پیکتوری . . . .

در ضمن تمام می شود و اگر درست است که فقط تمرکز نیروهای مردمی و وحدت عمل در مبارزه برسد. رژیم می تواند نسبت کاری بر رژیم وارد سازد و آن وقت در برابر نیروهای ضد رژیم استبدادی شاه و صوره نثار از تمام گونه گونی ها و تضادها در مافوق و در عقاید و در روش ها و در اهداف های دور آن ها فقط یک راه باقی می ماند و آن تمرکز و تشکیل وحدت عمل این نیروها در یک جنبه نرد پیکتوری با اهداف سرنگون ساختن رژیم استبدادی شاه است.

جنبه نرد پیکتوری و خواست طلبی

مرد چارنیاز مردم جنبه با است

حزب توده ایران شماره کوشید است که با تحلیل علمی سیر تکاملی جامعه ما و با تعیین هدف های مشخص تاکتیکی و استراتژیک، جنبه نرد پیکتوری و مرحله انقلاب و با تجهیز و تشکیل و اتحاد تمام نیروهای لازم و مکن برای نبرد به این هدف ها به خواست طلبی مردم ما و نیاز مردم جنبه با پاسخ گوید و بدینسان از عبودیت انجام و نابینگی که در برابر طبقه کارگر و همه خلق های ایران دارد برآید. پیشنهاد تشکیل جنبه نرد پیکتوری و که اینک به تمام نیروهای ضد رژیم استبدادی شاه عرضه می شود و تلاش جدید حزب توده ایران در تعیین جهت و تعیین زمینه است. تازگی و اهمیت آن نیز در ضمن جااست.

حزب توده ایران امیدوار است که تمام نیروهای که جاد فانه و استوار براندازان رژیم استبدادی شاه هستند، به این ندای حزب توده ایران که بازتابی از خواست طلبی مردم ما و نیاز مردم جنبه با است و پاسخ مثبت گویند تا بدینسان شرط اساسی برای سرنگون ساختن رژیم استبدادی شاه فراهم آید.

منهد شوم و برای سرنگونی رژیم

استبدادی شاه مبارزه کنیم!

نقل از روزنامه مردم اران مرکزی حزب توده ایران

در مراسم برده برداری از مجسمه خسرو روزه و شورای شهر سیانو رومانو همچنین تصمیم گرفت از کمیته سرگزی حزب توده ایران و شورا های شهر دموکراتیک ایتالیا به شخصیت های برجسته سیاسی و فکری و اجتماعی و علمی و معنوی نیز دعوت نماید. این دعوت از طرف کمیته مرکزی حزب توده ایران با سهاس پذیرفته شد و بهتی به ریاست رفیق ایرج اسکندری و دبیر ازل کمیته مرکزی حزب توده ایران در مراسم برده برداری از مجسمه یاد بود خسرو روزه شرکت کرد. ساعت ۱۰ صبح روز شنبه هیئت نمایندگی کمیته مرکزی حزب توده ایران به همراهی نمایندگان شورای شهر سیانو رومانو وارد این شهر شد. بر سر دروازه شهر که از تمام آن حکایت می کند مروی پارچه سرخی با خط درشت به زبان های فارسی و ایتالیایی نوشته شده بود: "آزادی برای"

زندانیان سیاسی ایران". در این وقت مجسمه در زهرچشم ایتالیا قرار داشت. در برابر شهرداری شعار دیگری به زبان فارسی به چشم می خورد: "زنده باد خاطره خسرو روزه و کمیته مرکزی حزب توده ایران". با ورود هیئت نمایندگی کمیته مرکزی حزب توده ایران به میدان شهر دسته موزیک شهرداری شروع به نواختن مارش های انقلابی کرد. آنگاه شخصیت هایی که برای شرکت در مراسم برده برداری از مجسمه یاد بود خسرو روزه به سیانو رومانو آمده بودند به همراه هیئت نمایندگی کمیته مرکزی حزب توده ایران معرفی شدند. بعد از انجام این مراسم هیئت نمایندگی حزب توده ایران در جلوی محلی از مردم شهر با دسته های بزرگ گل میخک به سوی جایگاه یاد بود قربانیان فاشیسم رفتند. در این جا یکی از مبارزین ضد فاشیست طی سخنرانی کوتاهی صحبتی مردم ایتالیا را با همین پرستان ایران تکیه کرد و پشتیبانی نیروهای دموکراتیک کشور خود را از مبارزان ایرانی اعلام داشت. سپس صف در حالی که موزیک در جلوی آن سرود های انقلابی می نواختند در جلوی شهرداری شهر سیانو رومانو قرار گرفت. در این هنگام شهردار شهر و رفیق ایرج اسکندری پرچم ایتالیا را از روی مجسمه یاد بود خسرو روزه برداشتند. موزیک سرود ملی ایتالیا را نواخت و جمعیت به شدت کف زد. از جانب هیئت نمایندگی کمیته مرکزی حزب توده ایران و سازمان جوانان و دانشجوستان دموکرات ایران شهرداری شهر سیانو رومانو و اعضای گونیست موسیالیست و سوسیال دموکرات و سازمان جوانان گونیست ایتالیا درهای تند بر بسته های بزرگ گل گذاشته شد. در این وقت شهردار شهر پشت تریبون قرار گرفت و در حالی که اشک در چشم داشت از مبارزین انقلابی ایران و از زندانیان سیاسی کشورها و از حزب توده ایران دفاع کرد و آزادی خلق های رنج دیده و فاشیسم زد میهن ما را خواستار شد. بعد از شهردار شهردار سیانو رومانو رفیق ایرج اسکندری به سخن پرداخت:

اوضاع ایران را برز مراتب سیاسی سازی عقب کمیته مرکزی حزب

اشاء می ریختند . در پایان مراسم بسیاری از شرکت کنندگان دست های مبارکشان را بر سر سران حزب توده ایران را به علامت محبتی با همین رستان ایران فشردند .

در نهایت ناچاراً شهرداری شهر سیانو رومانو در عین حال محبتی با حزب توده ایران در زمانه مرد شهر سیانو رومانو و در مراسم های که از طرف حزب کمونیست این شهر به افتخار هیئت نمایندگی حزب توده ایران داده شده سخنرانی های پر شور ایراد کردند . رفیق لوتیچی لونزو علاوه بر همین راه آزادی ایران را گرامی داشت . او در برابر تندیس یادبود خسرو روزه به احترام ایستاد و بیروزی مردم ایران را بر فاشیسم حاکم خلافتی بی تردید خواند .

در آن زمان مردم شهر سیانو رومانو در زمان اولیا به پیش بر جسته ایرانی سخنرانی کرد . در این مراسم دهر اول کجته مرکزی حزب توده ایران سپاسنامه حزب را به او تسلیم کرد .

مراسم پرده برداری از مجسمه یادبود خسرو روزه در شهر سیانو رومانو به همین بزرگداشت محبتی با حزب توده ایران و مردم مبارز ایران تبدیل شد . جمعیت بسیار جوانی سرود ای انقلابی و مدردی خود را با انبوه زندانیان سیاسی ایران اعلام کرد .

خند در باره فعالیت

مراکز جاسوسی آمریکا در ایران

در ایران یک سند صوری به دست ما رسید که در آن تعدادی از وسیع دانشجویان را به خامت روز ۱۶ آذر (روز دانشجو و سالروز شهادت سه دانشجوی بیمن پوست به دست حال رژیم شاه) بیض بینی کرده و به واسطه جهت نمه آمریکایی تظاهرات به آمریکاییان مهم ایران هشدار داده است . این سند نه تنها از این جهت با اهمیت است که در دست اشغالگران آمریکایی را از این گری روز افزون چنین توده های (به ویژه دانشجویان) و از موضع گیری هر چه قاطع تر آن طبعه فارتگری و آشغالگری امپریالیسم آمریکا در ایران نشان می دهنده بلکه در ضمن به ویژه از آن جهت گماز فعالیت ای سازمان های جاسوسی آمریکایی در ایران و همکاری نزدیکی آن با ساواک شاه پرده بر روی دارد .

اینک توجه من این الزامه :  
موضوع پرواز لوتی مرکز اضتی : لیکتور ایمل وادارما سفارت ایالات متحده آمریکا دریافت شده است .

"الذاتی از ضایع موش ایرانی درباره امان تظاهرات دانشجویان در دی ماه ۱۹۷۶ به دست آمد . این تاریخ موز به سالگرد تظاهراتی است که در گذشته نهاد رسد و در جغرافیای دانشگاه ماساچوست و بود است . این وقت به عنوان تظاهرات ضد آمریکایی شناخته نمی شده است . اما اصل در صورت آمریکایی که در مصایب این تظاهرات قرار دارند امکان دارند در تظاهرات کنندگان قرار گیرند و به همین دلیل به همه آمریکاییان هشدار داده می شود ."

تندیس روزه . . . .  
توده ایران و مردم ایران از شهرداری و شهردار و صبره آزادی : راه توده سیانو رومانو به خامت برگزاری مراسم پرده برداری از مجسمه خسرو روزه و کجته مرکزی حزب توده ایران بیلی از نام آبرترین فرزندان همین ماسردیگ در مبارزه با دیکتاتوری و فاشیسم برای ر این بیمن خویش از یوغ امپریالیسم و ارتجاع به سالگرد آلمان نازی و الای دموکراتیک از ایثار بان کرد در یخ نوزده و به حسن از سوی توده های مردم ایران " قهرمان ملی " لقب یانست این ابتکار تاریخی و با اهمیت " راستود و آن را " نه تنها از لحاظ انتخاب خسرو روزه قهرمان ملی ایران و آرزوی بر بسیاری نسبت به مبارزان نه فاشیست و دموکرات ایران " بلکه " از این جهت که تبسی از محبتی خلق دلاور - ایستالیا با مبارزات دموکراتیک خلقی های سراسر جهان است که ایران به مثابه سبیل مبارزان انتخاب شده است دارای اهمیت سیاسی خواند .

رفیق اسکندری میس گفت : " برای خلق های ایران مایه بسی افتخار و مایه ات است که امروز صیای نجیب و دلاور خسرو روزه قهرمان ملی خود را سبیل این جنبش دموکراتیک بین الطلی می بیند و از این گفته او در برابر دو خصمانش در دادگاه ناملی تهران فراموش نمی کند :  
" مردن به رحمان ناکوار است به ویژه برای کسانی که صاحب عقیده هستند و قلبشان آکنده از امید به آینده به به آینه رزمین و تابناک است . زلی زنده ماندن به رزمیت و به عزم . نیز شایسته انسان نیست ؛ زیرا مرکز نباید راه ندهد ؛ را خفتی سازد . آرزنده ماندن خسرو به نشاء عینیت و تن دادن به پستی و کشتن از آبرو و نشانمان بر سر عقاید و آرمان ای اجتماعی و سیاسی باشد و مردند بار بر آن شرف دارد ."

مردم ایران که اینک در شرایط تیره و تاریکی می ساکنند به سر می برند با لباس از سرخس و روزه در کار مبارزه برای برکنار ساختن رژیم دیکتاتوری شاهانند و تردیدی ندارند که این مبارزه علی رغم تیره و تاریکی و دشواری و پیروزی مبارزه در پیرو اتحاد همه نیروها و دیکتاتوری برانجام پیروز خواهد شد . زیرا همانا هر که روزه در دادگاه ناملی می گفت : " رکز لکه ابر نمی تواند موجودیت خود را نگه دارد و هرگز از لحاظ ای بر تو مستقیم خورشید به رنگی گرم خواهد درخشید ."

سپس رفیق اسکندری نامه تشکر رسمی کجته مرکزی حزب توده ایران را به شهرداری شهر سیانو رومانو تسلیم کرد .

بعد از رفیق ایرج اسکندری ، مارچ و ژنرالها استانداری هم سخن گفت و به پنهان مراسم پرده برداری از مجسمه یادبود خسرو روزه قهرمان ملی ایران به پایان یافت . در تمام جریان مراسم به ویژه ناملی که رفیق ایرج اسکندری سخن می گفت و جمعیت در میان آن بود همه زیاده

# اوج نوین جنبش دانشجویی

طوب دست به تظاهرات زدند که با آنها هجوم پلیس و سنگری  
ده های از دانشجویان روبرو شد.

در دانشگاه علم و صنعت واقع در نارک نیز تظاهرات

دانشجویان با پرش و خشم گارد میزبانی روبرو شد.

دانشجویان به طالبه برخاستند و در نتیجه ده های از دانشجویان

به سختی مجروح شدند. سپس ده گیتی را برای چند

ساعت بازداشت کردند و به آن ها اخطار نمودند در صورت

تکرار انتصاب آن ها را از ادگاه نظامی محاکمه خواهند کرد.

در دانشگاه شهید اعتراضات دانشجویی شکل گرفته

تر و یکپارچه تری داشت. دانشجویان از رفتن به کلاس

های درس خودداری کردند و صحنه لغو همه تصورات

فرد دانشجویی و یکجانبه را خراب ساختار شدند. مقاومت

دانشجویان شهید سرانجام صفولان را به تسلیم واداشت

و قبل دادند که به خواست های دانشجویان جدا

توجه کنند.

مهمان با این اعتراضات و تظاهرات در آموزشگاه

عالی خدمات اجتماعی و مدرسه عالی پارس نیز اعتراضاتی

صورت گرفت. در مدرسه عالی پارس پلیس با زند دانشجویان

بهرش برد و ده های را مجروح و دستگیر نمود و مدرسه عالی

رانیز تعطیل کرد.

## دانشجویان به استقبال ۱۶ آذر رفتند

دانشجویان ایرانی روز ۱۶ آذر به این محله گاه

خونین بیکار دانشجویی را به عنوان روز اعتراض به رژیم

مخد طمی و عهد و موکراتیک شاه و حمله روز افزین امپریالیست

ها به ویژه امپریالیسم امریکا و محبط خفقان پلیس

حاکم بر کشور و به ابراز حسرتگی با مبارزات زعمتگشان

صحن و بزرگداشت خاطره شهید اجنبش آزادی بخش

مرد ایران و دفاع از زندانیان سیاسی برگزار می کنند.

پس از گردتای ارتجاعی و امپریالیستی ۲۸ مرداد -

۱۳۳۲ که حکومت تهر و خفقان را بر کشور ما تسلط ساخت

دانشگاه نیز از تموز و هجوم و خشمیانه در امان نماند.

ده زیادی از دانشجویان دستگیر و به از دانشگاه

خراج شدند و سازمان دانشجویان دانشگاه تهران "فهر

قانونی لغت شد. اما دانشجویان با مبارزات گسترده -

اعتصابی و تظاهرات علیه حکومت کودتا صفوف خود را پس

صفوف زعمتگشان هر چه بیشتر در هم آمیختند. هر چه

اهد امات خیانت آمیز و تعرض رژیم کودتا علیه دستاوردهای

موکراتیک و حقوقی سال های گذشته جنبش مردم پس

و قاحت بیشتری شد تا بی یافت و مقاومت مردم و از جمله

دانشجویان نیز در برابر آن گسترده یافت.

امواج خروشان اعتراضات و اعتراضات و تظاهرات همه

دانشگاه های کشور را فرا گرفته است. اصلا باند اعتراضی

دانشجویان رساتر و تامل تر از همیشه به گونی رسد.

تقریباً همزمان با آغاز سال تحصیلی دانشجویان با تشکیل

و آگاهی بیشتر به مبارزه با تبعیضات و اعمال فشارها و دست

اندازی های رژیم به حقوق منطقی و سیاسی خود برخاستند

و در برابر هجوم و سرکوب گری و خشمیانه میان پلیس و

آرکشان ساواک آنی از پای نایستادند و صدای اعتراضی

خود را علیه خیانت و اوجدهایت های رژیم فاسد و خودکامه

شاه در همه جا بلند کردند.

انگیزه دانشجویان دانشگاه های کشور در نخستین

موج اعتراضی و انتصاب که از اوایل مهرماه آغاز شد، تصمیم

رژیم دیر به قطع کک زمینه تحصیلی بود. اما در واقع

دانشجویان نه تنها به قطع کک زمینه خود بلکه به موضع

عمومی کشور به سلسله روز افزین امپریالیسم امریکایه محیط

خفقان پلیس حاکم بر کشور مستقر بودند.

انتصاب دانشجویان دانشگاه تبریز که علاوه بر قطع

کک زمینه تحصیلی به محروم کردن اکثر دانشجویان از سکونت

در کوی دانشگاه و در این شرایط اسفناک و بحرانی سکون

که باعث شده بود که برخی از دانشجویان متنی شیرا در -

صاحبه به صبح برسانند و اعتراض داشتند با هجوم و خشمیانه

پلیس روبرو شد و ده زیادی از دانشجویان مجروح و دستگیر

شدند.

در دانشگاه کشاورزی کرج نیز تظاهرات اعتراضی آهسته

دانشجویان با حمله پلیس شاه و گواند و صدای گار شهرپانی

روبرو شد و در نتیجه ده گیتی از دانشجویان ضروب و جبر

و جمع زیادی از آن دستگیر شدند. اما با این حال -

دانشجویان مؤدی شدند کک زمینه تحصیلی را دوباره به

دست آوردند و پلیس به عنوان اعتراضی به دستگیری و دستا نشان

کلاسها را تسیم کردند و دانشگاه تعطیل شد و از ورود

دانشجویان به خوابگاه ها جلوگیری گردید.

در دانشگاه جندی شاپور انتصاب و تظاهرات سلامت

آمیز دانشجویان با حمله پلیس و گارد دانشگاه روبرو شد که

در نتیجه ده های از دانشجویان مجروح و ده های دستگیر

گردیدند. پلیس دانشگاه را برای یک ترم تعطیل کرد.

در دانشگاه تهران به دنبال انتصاب دانشجویان -

دانشگاه فنی که به حمایت از دانشجویان بازداشت شد در

ارواح صورت لزوم پلیس به دانشگاه هجوم برد و با حمله

دانشگاه فنی و شکستن دروازه ها و مجروح کردن -

دانشجویان ده های را دستگیر کرد.

به دنبال این هجوم و خشمیانه و انتشار اخبار آن در میان

دانشجویان سایر دانشگاه ها و دانشجویان رشته فیزیک و

فصداها مردم تهران علیه تبعیض و رواج با حکومت  
 ابراهیم مستی انگلستان و دعوت از ریچارد نیکسون و معاون  
 رئیس جمهوری وقت آمریکا به تهران، برخاسته و رژیم  
 برای مقابله با تظاهرات دانش‌جویان نیروهای انتظامی  
 خود را به دانشگاه فرستاد. موجی از خشم و انزجار  
 دانشگاه را فرا گرفت. استاد و دانشجو به اعتراض پرداختند  
 و فضا را دست‌نمایان از دانشگاه کوتاه ۱۰ از نو کوشه  
 چنین افکن شد. در این میان ناگهان آدامس‌فروشان  
 رژیم دانشجویان بی دفاع را به زنجیر سلسل بستند.  
 سه تن از دانشجویان مهین پرست و صافی بزرگ‌نیا  
 (تودهای) و مهدی شریعت زوی (تودهای) طاعنه  
 قدچی (ع. و بیبه علی) به شهک ت رسیدند. ده ا  
 دانشجو به شدت مجروح و بسیاری دستگیر شدند. بعد  
 از ظهر همان روز به عنوان اعتراض به این جنایت  
 فوج و نخلین دانشگاه تعطیل گشت و انصاف  
 مکانی آغاز شد. در روزهای ۱۷ و ۱۸ آذرماه تظاهرات  
 انفرادی از طرف مردم تهران و همه دانشجویان و دانش  
 آفرینان صورت گرفت و مردم خشم و انزجار خود را از رژیم  
 سفاک و دست‌نشانده شاه ابراز داشتند.

بدینسان ۱۶ آذر به عنوان ماه مبارک  
 دانشجویان مهین پرست و موکرات علیه ابراهیم  
 و ارتجاع‌نار و خون‌آشام در تاریخ درخشان جنبش  
 دانشجویی ایران ثبت شد. دانشجویان روز ۱۶ آذر  
 را روز دانشجویان ایران اعلام داشتند و رساله با تملیل  
 از خاطره شهیدان دانشجو مزم را سخ خود را به پیگار  
 با رژیم فاسق و دموکراتیک شاه با شعار روزی اتحاد  
 مبارزه - پیروزی به ثبوت می‌رسانند.

اصال از اوایل آذرماه موج عظیم و گسترده تظاهرات  
 دانشجویی دانشگاه از طرف ابراهیم کتورا فرارگشت  
 در دانشگاه کشاورزی و به دنبال زد و خورد و خونین ماه  
 قبل باریک دانشجویان مبارز با شعارهای سیاسی و  
 با پاینده اعتراض به بازداشت گروه کثیری از دوستان خود  
 به تظاهرات پرداختند و در نتیجه پویش‌گردهای مهاجم  
 دانشگاه زد و خورد شدیدی بین آن‌ها و دانشجویان  
 در گرفت که ضربه مجروح شدن ده‌های از دانشجویان  
 و دستگیری ده‌های دیگر شد.

در دانشگاه پلی تکنیک دانشجویان از محسن  
 دانشگاه بیرون آمدند و در نهایت با شعار تالیسی  
 علیه رژیم تیره و خیانت‌به تظاهرات کردند که بازه ده‌ها  
 پلیس و زور و در نتیجه زمین انباشت.

دانشجویان دانشگاه علم و صنعت تظاهرات  
 گسترده‌ای علیه رژیم شاه و به یاد خاطره شهیدان ۱۶  
 آذر برپا کردند و با پلیر، شاد جنگ به زد و خورد  
 پرداختند.

در دانشگاه صنعتی آریابهر تظاهرات دانشجویی با

سپه‌ای مهاجم و یورش‌اشجوی خود، علی‌رغم هجوم سرکوب  
 و خشمگین و دست‌پاچس چندین روز ادامه یافت و منجر به  
 تملیل اکثر کلاس‌ها گردید. در جریان این تظاهرات  
 عده زیادی از دانشجویان توسط پلیس دستگیر شدند.

صحنه‌های زاپار آن در مدرسه عالی پارس و دانشگاه  
 ابن سینا و اقتصاد دانشگاه تهران واقع در امیرآباد  
 تکرار شد. در دانشگاه فنی پلیس مبارزات دانشجویی گان  
 را با تملیل دانشگاه خاوشن کرد. در دانشگاه ده‌ها  
 مهاجم آدامس‌فروشان شاه ضربه مرفیق دانشجویان ضربه  
 و بازداشت شدن عده کثیر دیگری شد.

در مدرسه عالی ساختمان به دنبال پذیرش اعلامیه  
 به مناسبت روز ۱۶ آذر در روزهای ۱۵ و ۱۶ آذرماه  
 دانشجویان از رفتن به کلاس خودداری کردند.

در مدرسه عالی ادبیات و زبان‌های خارجی به دنبال  
 تظاهرات ۲ روزه دانشجویان، دانشگاه برای چند روز  
 تعطیل شد.

در مدرسه عالی مذاکرات در روزهای ۱۵ و ۱۶ آذر  
 تظاهرات گسترده‌ای برپا شده باز با هجوم پلیس مواجه  
 شد و ۱۶ نفر از دانشجویان دستگیر شدند. عده‌ای از  
 دانشجویان نیز در حین زد و خورد مجروح گردیدند.

موت تظاهرات دانشجویی در شهرستان‌ها نیز با  
 شدت و استقامت‌های سابقای جریان یافت.

در تبریز دانشجویان دموکراسی‌پسین بزرگی برپا کردند  
 و به دنبال دستگیری‌ای پراکنده با پلیس مصداق نظم  
 دانشگاه تملیل شد و عده زیادی از دانشجویان دستگیر  
 شدند.

در دانشگاه اصفهان در اوایل آذرماه اعلامیه‌ها و مناسبت

روز دانشجویان پذیرش شد که در آن از خاطره شهیدان ۱۶ آذر  
 تملیل شد. و فلسفه برگزاری این روز و ناهای اعتراض  
 آموز دانشجویان آزادی خواص و پیگار جو علیه خودکامگی  
 و ولان فروشی رژیم شاه خون‌آشام تشریح کرد و ده بود.

در روز ۱۶ آذر دانشجویان دانشگاه‌های پزشکی و علوم  
 در جلوی دانشگاه‌های اجتماع کردند و همراه با سایر  
 دانشجویان دانشگاه به تظاهرات پرداختند و شعار جان‌فشان  
 اتحاد - مبارزه - پیروزی - خشم و نفرت خود را از رژیم  
 استبدادی ابراز داشتند. اما در این جا پلیر دیگر جرات  
 نیافت در مقابل این صحنه‌ها و نروشان اظهار وجود کند. با  
 این‌همه دانشگاه برای مدت نامعلومی تعطیل گردید.

رژیم سفاک شاه با تمام تلاشی که برای جلوگیری از  
 تظاهرات دانشجویی به مناسبت ۱۶ آذر به عمل آورد نتوانست  
 راه این سبیل پر خاشخو و مصرت را سد کند. لذا به کمک  
 گله آدامس‌فروشان خود در مدد سرکوب‌خشن و در دشمنانه آن برآمد  
 شد. دانشجویان مبارز با حریفان گردید و بهین از زارد دانشجوی  
 مهین پرست را به شش‌گانه و زندان فرستاد. در مدرسه  
 دانشگاه آریابهر عالی کشور تملیل کرد اما عده این  
 خشمگین با مخالفت‌ها و پیگارگری اورالت ناتوانسته  
 اوست محله فرزندان جنبش دانشجویی راه مطاب به نسی از نهنیت  
 آزادی بهین. این‌ها ای ایران خاوشن کند.

# در یک کشور سوسیالیستی

تنها در درصد کار با یادست صورت می گیرد. کوشش دولت معطوف به این است که تا زندگی روستاییان هر چه بیشتر به زندگی شهر نشینان نزدیک شود. روستاییان بلغارستان سوسیالیستی امروز نه تنها از آموزش و بهداشت رایگان بهره مندند، بلکه همه آن بازرده سال پیش بدون استثنای بازنشستگی می گیرند. توماس بریوت و خبرنگار انگلیسی که اخیراً از بلغارستان دیدن کرده در یادداشت های صافرت خود درباره این کشور سوسیالیستی می نویسد: "پیش از این رگنهارونی کردم با کشوری چنین آباد و مردی مرفه و پرور شوم. رژیم سوسیالیستی بلغارستان در واقع توانسته است توانایی شگرف خویش را در تغییر سیمای شهرها و روستا های کشور و همگام با آن بهبود زندگی مردنشان دهد."

بلغارستان یکی از کشورهای مادی است در جهان که در مدت دهه اخیر سیمای گشادگی خود را کاملاً تغییر داده است. سی سال بعد از پیروزی انقلاب سوسیالیستی در این کشور نمود در حد فزاینده نام در روستاها از نوبت شد است. از خانه های مادی در ساعات تنها در درون باقی مانده. روستاهای امروز بلغارستان همه بدون استثنا از نیروی برق و آب لوله کشی استفاده می کنند. همه روستاها دارای مدرسه و دبیرستان و عمارت های مدرسه و حرفه های درمانگاه و زایشگاه و کودکانستان و شیرخوارگاه هستند. همه برای خود دارای مرکز اداری و فرهنگی است. اکثر روستاها کلوب سینما و تئاتر و گروه های مکتبی تفریحی دارند. هیچ ده بدین گنجان نیست. همسایری ۲۰ سال پیش ریشه کن شده است. کشاورزی بلغارستان هم اکنون به اوج کامل گامیزه شده است.

## خبرنامه - پنجم

از رژیم فاسد و چهارگونی آن عمار از این کارهای دارد. حال وسایل ارتباط جمعی رژیم روجه می خوانند در این مورد به تبلیغات پیوسته او و هواشیرانه خود ادامه دهند.

### ۱۶ - اجازت قطعی به برعکس تلویزیون ...

در کشور ما است که در این کارها مهم تلویزیون کارشناسان آمریکایی و افراد تحصیل کرده آمریکا قرار گیرند تا سیستم آمریکایی تبلیغات و آموزش تلویزیونی در جهت فاسد کردن و تحقیر مردم می گویم و گامت اجرا شود و فرزند ضابطه هارترین و ارتجاعی ترین محافظ امپریالیستی بر زمین مسلط گردد.

### ۱۷ - داده آوری ارتش ...

لیبرال در حاشیه کبیر نیک نزدیک بر این تمام مراتب را که دارای پوشش گیاهی مناسب برای داده آوری بوده تصاحب کرده و در آن با سرمایه ارد ارگنیده و اجالی محلی و دام هایشان را از آن مراتع بیرون رانده و حتی دام های داده آوری را که کوچک ترین امتزاج و مقاصد از خود نشان داد مانده نگهشاند.

### ۱۸ - در مورد چه می گذرد؟

است اخیراً در محرومانه به وزارت بازرگانی دستور داده شده که تمامی کوششها را در جهت تولید داخلی راهبشیخ نشین های ملیم قرار دهد و در کشتن برای صرفه دانی از خارج کوشش و سبب زمین و بازار وارد نمایند. زیرا آنها از این راه است که در بارهان و وابستگی به آن می توانند با وارد کردن گوشت بیخ زده و فاسد و سبب زمین و بازار ارجی خود ای انحصاری به جیب بزنند. بهر چه که بی از مواد قزاقین و آئین نامه های - گمرکی موجود این امتیاز را بر این بارهان قابل شد که کلیه سببها و محصولات وارداتی متعلق به آن می باشد و این بازرسی وید وین برداخت و پناهی به عنوان حق گمرکی بی در نظر و سببها وارد کشور شود.

## اطلاعیه

شخصی به نام قاضی باغی در تریون ... ما را به کار دعای نویسی و احضار ارواح و نظیر آن مشغول است و در نتیجه تبلیغات هواشیرانه عوامل و ابادی خود و نیز فعال رژیم شهرت زیادی به نام زده است. به آوری که چنین مشهور شده که رکن سرشکلی داشته باشد با مراجعه به او گنجان بپردازد خواهد شد. لازم می دانیم چهره سالوسانه این شهاد و حاصل رژیم را افشا کنیم. به اطلاع گنجان می رسانیم که او از کارگزاران با نفوذ سازمان امنیت است و در باره ارتباطات می باشد و حتی بنا بر اخبار معتقدی که دریافت داشتیم هم در آن دست و پز می نهانی به خانه او رفت و آمد می کند.

چه بسیار خانواده هایی که از فرزندان خود بی خبر می مانند و به خیال آن که فرزندان حقوق شده به این عواد مراجعه کرده کمک می خوانند و او با کسب اطلاعاتی درباره فرزندان ما و ترفتن عکس او از خانواده اش و آن ارا در اختیار ساواک قرار می دهد تا او را تعقیب و اعتدال دستگیر کند.

سرنگون کردن رژیم مصلی و عهد و موکراتیک شاه وظیفه اساسی همه نیروهای مترقی و انقلابی میهن ماست

# خبرها

## ۱- اعتصاب کارگران ساختمانی در اصفهان

دراواسا، مبرماه گذشته مدتی از کارگران ساختمانی در اصفهان دست به اعتصابی سابقه‌دار زدند. آن‌ها به کمی دستمزدها در تیرا با قیمت سرسام‌آور و روزافزون مایحتاج عمری و نداشتن شرایط ایمنی و تامین جانی در حین کار اعتراض داشتند. کارگران ساختمانی اصفهان مدتها در محلاتی نظیر فلکه احمدآباد و میدان قدیم و معروف به میدان کهنه و فلکه پهلوی و لطفی و چهارسوق بزرگ جمع می‌شوند و کارفرمایان برای اینچنین آن‌ها به این محلات راجعه می‌نمایند. در روز ۱۱ مبرماه کارگران از پذیرش مراجعاتی سرپا زدند و این وضع چند روز ادامه یافت. کارفرمایان به جای ایجاد شرایط مساعد کاروتوجه به تقاضای حق کارگران بجهت شکایت می‌بردند و پولیس برای در شکستن این اعتصاب خاموش و در عین حال اعمال غم‌انگیز داخله کرد. مأموران پولیس کوشیدند کلبه زیر و تم دید کارگران را به ساختمان ای‌ان‌تام و یا زمین‌های در شرق ساختمان بفرستند اما با مقاومت جدی آن‌ها روبرو شدند و گسار به زد و خورد کشید. کارگران که خود را در صورتی طبع و حیثیت ماعیران دیدند به مطالبه پرداختند و در نتیجه گروهی از دو طرف آن کارگران بودند مجروح شدند. با دستگیری وسیع کارگران و کنگ زدن و مجروح کردن گروه زیادی از آنان، این اعتصاب در پیشکشته شد. اما نماینده حکومت در این مجلس پهلوی شاه احمدی وسیع مردم را متوجه زحمات و تنهایی و بی‌نصیب‌ترین قشر کارگری کرد و کینه دیشه جویشان آنان را نسبت به رژیم که جسز ضایق زور و و شیواری ضایق دیگری نمی‌شناسد تشدید کرد.

## ۲- فاجعه در کارخانه سیمان آریای اصفهان

در ۲۳ مبرماه گذشته رسیده یکی از سالن ای کارخانه سیمان آریای اصفهان واقع در ۳۰ کیلومتری شرقی شهر اصفهان روی سر ۵۰ کارگری که در آن مشغول کار بودند خراب شد و موجب مرگ ۶ تن از کارگران و مجروح شدن بقیه گردید. سالنی که سقف آن خراب شد ۲۰ م نام داشت و کارگران از مدت‌ها پیش متوجه آن بودند بارها اصرار از کارفرما خواسته بودند آن را تعمیر کنند. اما کارفرمایان سودجو به آن توجهی نکرده بود. تا این که سرانجام در ۲۳ مبرماه سقف سالن تا نا بوسه کارگران نوردید و فاجعه به بار آورد. این حادثه من از حادثه نیز در کنار اعداد و بویون کشیدن کارگران از زودآوار تا بی‌رحم‌های شد و سرانجام ایجاد زخم از کارگران از زودآوار بی‌سوزی کشیده شد و بقیه کارگران که به سستی مجروح شده بودند به بیمارستان انتقال یافتند که سرانجام آن‌ها چندان روز

نیست.

با آن که سقوط این حادثه مستقیماً متوجه کارفرمای کارخانه است، از طرف مقامات دولتی هیچ بازخواستی از او بعمل نیامده است. از رژیم دیکتاتوری شاه جز این انتظاری نمی‌توان داشت. اتحاد مبارزه پیگیر و هوشیارانه کارگران و احصال فشار به سرمایه داران تنها راتمامین شرایط برای کار و سایر خواست‌های حق کارگران است.

## ۳- در کارخانه ایران ناسیونال

از کارخانه ایران ناسیونال خبری رسیده که از مدتی پیش ساعات کار روزانه کارگران را عملاً حدود یک ساعت افزایش داده‌اند. توضیح این که در سابق انجمن صحرایی کارخانه کارگران را در آغاز و پایان روز داخل محوطه کارخانه و نزدیک محل کار پیاده و سوار می‌کرد اما اینک در خارج از محوطه کارخانه آنان را پیاده و سوار می‌کنند و کارگران مجبورند فریز فاصله در رودی تا محوطه اصلی را که محصل کارشان است دوبار بپیمایند و این نزدیک به یک ساعت طول می‌کشد. کارگران به تصمیم سخت‌معتز می‌انند.

## ۴- توافق علیه کارگران

پس از انتصاب جناب چهار آرمین، یکی از رذل ترسین چهارم ای شناخته شده ساوا به وزارت کار، ۲۰ تن از کارفرمایان بزرگ ایران در یک جلسه محرمانه در وزارت کار با او به گفتگو و تبادل نظر (در واقع توافق پنهانی علیه کارگران) نشستند. نمایندگان سرمایه داری بزرگ ایران در این جلسه مترقی‌ترین نامه انتظامی کارخانه و کارگاه‌ها را که برای جلوگیری از اعتصابات روز افزون کارگری تهیه کرده بودند در اختیار آرمین قرار داد و اجراء آنرا امرانه از او خواستار شدند. در این آئین نامه دیکتاتوری سواران و آرمین و تنبیه کارگران چنین بیان می‌نماید:

«همیشه توده به دستورات مائیتق و بی‌اعتراضی به مائیتق و ایچ کردن مواد اولیه هم کاری و غیبت و آسیب رساندن به مائین آلات».

در آئین‌نامه ترویج شده که کارفرمایان می‌توانند در موارد تلفات ذکر شده کارگران را اجراع کنند و یا اثر تلفات جنسی باشد ۶ روز حقوق آن‌ها را از کار بدارند و ۱۰ روز آن‌ها را از کار معلق کند. در این کارفرما اعلام کرده که اراده کند می‌تواند کارگران را به بی‌رحمانه کم‌کاری اجراع کند.

در جلسه مذکور و آرمین این تائید تالیفات و پیشنهادهای سرمایه داران و به آن پیشنهادهای کارگران در کارخانه کارهای انتظامی روزه مستقر شوند تا اعتراضات و اعتراضات کارگری



آن برانند آمدند .

دراوازه هر پرمه ماه نوجویان غرضتاق منحنی آبادان نیز به عنوان اعتراض به نداشتن معلم و کتاب و وضع ناپسند آموزش از شهر دو کلاس را خود راوی کردند . بدلتگلی نوجویان نرستان تا و همچنین با دانش آموز سراسر کشور به علت کمبود معلم و نداشتن کتاب درسی همچنان ادامه دارد .

را می درند و در نطفه سرآوب کنند . این پیشنهادها استقبال بوده در آن نوع جدید روبرو شد . بی شک آرزویان به مبارزات متحد و سازمان یافته خود این توطئه تازه و شایسته را هم ند بشوی شاه را نشی خوا نندگردد با اوج نرستان مبارزات اقتصادی نوجویان و خالصی را از از پیروز راه بردارند داشت .

۵- انتصاب دانشجویان آموزشگاه عالی خدمات اجتماعی

دانشجویان آموزشگاه عالی خدمات اجتماعی در اوایل مهرماه اصلا دست به انتصاب متنگم زدند . این انتصاب ده روز طول کشید به موافقت ایان یافت . کبری علت انتصاب بستن عدهی رستوران آموزشگاه برای جلوگیری از تاسر و گنگرهای دانشجویی بود . با اعلام انتصاب ستاره فرمانفرمایان که سه کازه این آموزشگاه است نخست با خواست دانشجویان مخالفت کرد ولی بعد مجبور شد بپذیرد جز دانشجویان سال چهارم میزان از غذا خوبی استفاده کنند . دانشجویان اعلام کردند که رستوران متعلق به همه دانشجویان است و نه آن ها باید از آن استفاده کنند .

فرمانفرمایان اعلام کردند که من به کمک پلیس می توانم همه ۱۴۰۰ دانشجوی آموزشگاه عالی خدمات اجتماعی را انزوا کنم و به جای آن ۱۰۰۰ دانشجوی جدید بپذیرم . دانشجویان از تهدید نبراسیدند و به انتصاب ادامه دادند تا این که در ای رستوران به روی همه دانشجویان باز نمود .

دانشجویان آموزشگاه عالی خدمات اجتماعی به علت نوع دربر رفته تحصیلی نوجویان تاسر با مردم زمینگیش را الهیابی می آند و بین از دانشجویان سایر رشته ها تحت فشار قرار دارند . فرمانفرمایان که از وابستگی به دربار است و آموزشگاه را با پیروزه ای پلیسی اداره می کند . او بعد دانشجویان حق اعتراضی در دو استادان راه بهانه های مدظف اخراج می کند . م اکنون با ایجاد شرایط کاملاً فاشیستی و گذاردن شرایط جدید برای ادامه تحصیل و افزودن پرواضد های درسی و بیولوژی از تاسر میان دانشجویان سال اول با دانشجویان سال های قبل و محیط حتی برای نفس کشیدن آزاد شکل شده است .

دانشجویان آموزشگاه عالی خدمات اجتماعی تصمیم گرفته اند با مبارزه ضد دولت و این وضع خفقان آمیز برخورد کنند .

۱- تظاهرات نوجویان نرستان منحنی تهران

بزرگترین تظاهرات ۲۵ مهرماه ۵۵ نوجویان نرستان منحنی تهران واقع در بهابان توأم الصداغه به عنوان اعتراض به نداشتن معلم و کتاب و بدلتگلی ناشی از آن تظاهرات وسیعی برپا کردند تا شروب ادامه یافت . در نهایت ۱۲۰۰ نفر از بهابان کشیده شد و پلیس با عاصمه نرستان گوشید نوجویان وارد چهارم براری نرستان زندانی کند اما نوجویان بهانه برای دخالت ماموران پلیس به دست

۷- انتصاب دانشجویان دانشکده علوم سیاسی و حزبی

دانشجویان دانشکده علوم سیاسی و حزبی از چهارشنبه سوم آذرماه دست به انتصاب زدند . علت انتصاب اعتراض دانشجویان این بود که ماه طی فرمانی به جسد آموزشگار و بهرگک حزب درباری رستاخیز دستوری داد که کلیه دانشجویان دانشکده علوم سیاسی و حزبی باید به خدمت حزب رستاخیز در آیند برای این حزب کار کنند . اما هنگامی که این فرمان از طریق مسئولان دانشکده به اطلاع دانشجویان رسانده می شود ه آن اعتراض و تهدید به انتصاب می کنند و چون رئیس دانشکده اعلامی دارد که از او کاری ساخته نیست و چون فرمان شاه است عد دانشجویان به عنوان اعتراض از حضور در کلاس ها خودداری می کنند . از نتیجه انتصاب خبری نداریم .

۸- تهاجم خونین آذریگان شاه به

دانشجویان دانشکده حقوق

پلیس درنده شاه در ریز و آذرماه در یک حمله و تهاجم به دانشکده حقوق دانشگاه تهران ده هادانشجویان آزادی خواه ایرانی را به خون کشید که در نتیجه یکی از دانشجویان کشته شد . کار در دانشگاه در جریان این حمله بیش از ۳۰ دانشجو را که به شدت مجروح شده بودند بازگرد برد که از سرشت هیچ یک از آن ها اطلاعی در دست نیست .

حادثه از آنها آغاز شد که دانشجویان به ادار رستوران شرکت تعاونی ه انجمن دانشجویان و کتابخانه توسط ساواک اعتراض داشتند و دستار واگذاری مجدد در آن به دانشجویان بودند . اگر پلیس دانشکده تقاضای ملاقات کردند اما هنگامی که برای گفتگو به محل تعیین شده وارد شدند ه مورد تهاجم و تهاجمه افراد گارد قرار گرفتند . دانشجویان به دفاع برخاستند و جدال خونینی در گرفت . دانشجویان با شروع حمله تازی ها با شعار اتحاد - مبارزه - پیروزی ه صفوف خود را فشرده تر کردند . در جریان زد و خورد شمارهای تازه ای که از رشد آگاهی دانشجویان حکایت داشت چون فرزند بود به از فرارسیدن لحظه در صحن دانشگاه ظنیم افکند : « دانشجویان ! پیروزه سوی کارگران راه ..... روزمنظران ! دست های برادران کارگزار را بشارید ... بدین کارگران ما پیروز نخواهیم شد ... »

مردمی نامبرانگیزته است. کارندان به تدریج پس می  
می برند که جزایزه تشکک و مبارزه بپایه صنفی و سیاسی واتحاد  
باصاير اقشار و طبقات انقلابی و دموکراتیک به ویژه طبقه  
کارترتبه و آنها نتوانست توسط نهادهای نوپای رژیم علیه ضابطه و  
مصالح خود بپایداری کنند .

پس پس از سرکوب دانشجویان و بودن زخمی ها و  
جسد دانشجویی آشفته شده و دانشگاه را تعطیل کرد .  
در حالی که کلاس ها در دستور کار دانشگاه به کلی در هم ریخته  
بود و لکه های خون در دیوارها نشانده بود .

۱- تصور رژیم به حقوق کارندان

به دنبال جابجایی دولت و انتقال مسئولیت های پاره  
کوری رژیم به سازمان لزوم تهیه برنامه و کار و جلوگیری از کم کاری  
و غیره هو برای جبران غارتگری های اصرالیست اونوگرا  
ایرانی شان از پشت و سایر منابع ایستادگی کرده به فرسان  
شاه پیششاه ای کاخ سرور به کلیه وزارتخانه ها و ادارات  
دولتی دستور داده شده است ۲۵ درصد از کارکنان  
خود بکافه به بدین نحو که کارندانی را که بیش از ۲۰ سال  
سابقه کار دارند بازنشسته کنند و کارندانی را که سابقه کار  
کوتری دارند به تشخیص روسا به اصلاح کتگیا زائد  
استند بجز از یک فرصت شایسته با بود است نمی از  
حقوق بدین جهت حقی از برای نمایند .

۱- تخریب خانه های مردم ادامه دارد

وضع جمعیت بار سنگین اجاره جهای گروشکن و کمبود  
فرازی فوق العاده زمین و خانه در محدوده شهرهای ویژه شده  
به ویژه تهران باعث شده است که صدها هزار نفر از  
زحمگشان برای راهی از در پردی به خارج از محدوده شهر  
بینه بپروند و گاه ده ها کیلومتر دور از شهر در نقاط مسو  
عاری از توتنه خدمات شهری در واقع دروسا بهایان برا  
خود و خانواده خود در حومه های محروم دست بیاکنند . اما  
ایادی رژیم و ماموران واند امری و شهرداری به بهانه های  
آنها حق تخریب خارج از محدوده بدون هنداشن جواز -  
ساختن ویا استناد ارد نبودن بنامین سرناه اداروی سر  
ساکتین آن ها خراب می کنند . سال گذشته ماموران  
شهرداری در شمیران نو چندین خانه را که به اصلاح  
غیر قانونی ساخته شده بود ( اما در واقع برای آن باجواز  
ساختن هم داشتند ) روی سر ساکنین آن ها خراب کردند  
و در برابر مقاومت مردم آن ارا به گوله بستند و بچوان  
را تندر همه ارا را جبروج کردند . اسان نیز در تهران  
نیز و حصارک کن احوال ضد انسانی خود را تکرار کردند

بنابر اظهارات کلیه وزارتخانه ها و سازمان های  
دولتی به دنبال این بهانه فورست اجلی از کارکنانی  
که باید از برای بازنشسته و نند تهیه کرده اند . شش  
د روزارت امور اقتصاد و اداری در این شهرست نام بی از می  
زار کارمند آفرودیده است .

از جانب دیگر به ما شهر رسیده که دستور داده شده  
برای افراد مشمول تهیه و از برای راه رود به سازمان امنیت  
و ارتش شایسته بایزاید .  
اما با اجمال کردن حقوق رها جان فشار به کارندان به  
نمین جا خانه نمی باید . منتها چند میلی است که از اعافه  
حقوق بدین جهت در دیوار دیوار که حکم اعافه حقوق مسافر  
نده پس از قدیمت سه سال نوز بود است نشده و بلکه تخریب  
می کنند به بهانه آن که تلافی از همین حقوق ناچیز کارندان  
نیز مهالفی کسر کنند . مثلا در مقابل یک دقیقه تاخیر در حقیر  
به اداره مسافان یک ساعت و در مقابل یک ساعت غیبت  
مسافان یک روز از حقوق کارندان کسری کنند و در مقابل سه  
روز غیبت کارمند را در ادگاه اداری حاکم و از برای نما .  
مستحق تندی در اوعاب بر ادارات حاکم است . عصار

سازمان امنیت در این مورد به شکیات آونان دست می زند .  
مثلا قریب به یک سال است که برای خانه گارو خروج کارندان  
از اداره کشو ای میزور کند ای آن ارا با از می می کنند و  
چندی پیش آن به شانه ماموران از کلیه ادارات راسته  
شد که کارندانی را که کتاب و یا حتی روزنامه ها غیر از رستادگی  
می خوانند به سازمان امنیت معرفی کنند . وای به شانه ماموران  
دیگری روسای ادارات موانع شدند کارندان زنی را که با  
مذ می دارند به سازمان امنیت معرفی نمایند .

در نتیجه هر روز در شانه ماموران واند امری چهار نفر  
از اهالی به مدت جبروج به بیمارستان اعزام آردیدند .  
این حوادث به هیچ وجه تضاد نمیکنند و همین  
جندی به هر رسیده که ماموران واند امری در حصارک کرج  
ده ها خانه و سریناه مردم سخت زده و مستعدید مرا روی  
مروشان خراب کرده اند . ساکنین این خانه ها کارگران و  
زحمگشانی هستند که از فرط لاعلاجی به دریافت مقرین  
نقاط و حتی بهایان ای بخت افتاده پناه برد مانده .  
ماموران واند امری هر چند روز یکبار به این ضابطه ججویی برند

به این فشارها و تبعیضات غیر انسانی و فاشیستی در  
میان کارندان مجوی از ناشنودی و شتم نسبت به رژیم شد

و اندامی و آمد و رفت بی وقفه و اندام نداشت. انسان تازه وارد خیال می‌کنند زمین شهریک شهریک نژادی می‌باشد اشغال شده است. اما وقتی متوجه می‌شوند که اکثر ساکنان شهر را کارگران تشکیل می‌دهند و با در نظر گرفتن خلصت نه کارگری رژیم طغیان می‌یابد. مانند دیگر نقاط ایران و اندام را در زمین شهر نیز قدرت و اختیارات وسیعی دارند و با مردم به صورت ارباب با رعیت بوده و رفتار می‌کنند. حتی بدون حفظ نام از مردم باج می‌گیرند و به آن از می‌گویند. اما شب بیست و یکم ماه رمضان حادثه اویخ داد که ششم مردم را توکند و صورت درجایی عمومی سراسر شهر را فراگرفت. رئیس پاسگاه و اندامی به اتفاق یکی از بستگانش عسر یکی از کارگران راهی دزد و با خود به آباده نزدیک شیرازی بود. سه روز بعد که بر می‌گردد در حالی زن بهت برگشته چون بپند مای گرفتار لرزان و متوحش است و رئیس پاسگاه می‌خواند او را در مقابل خانه آن پیاده کند. اما مردم که در کین این بوده اند او را باین می‌کشند و کشان کشان به طرف پاسگاه می‌برند تا از این رسوایی صورت مجلس تهیه کنند. اما و اندام ها با دیدن این خود بدین هیئت گفتگوی به شوهر و بستگان نبروده شده عطف می‌کنند و نزاع سختی در می‌گیرد. اما ای به حمایت از مأمورین وارد موهکه می‌شوند و در سر شایسته ای به و اندام می‌دهند. از طرفین عده زیادی زخمی می‌شوند. و اندام ها با بی‌رحمی از پاسگاه این دیگر و به حضور آزران شهرت و اندامی در کارخانه دوستان یاری می‌کنند و سلفی بعد کاشین های سر باز و و اندام می‌رسد و فرماندهان آن ها بدون هیچ تحقیقی انواع فحش های رکبک را نثار مردم می‌کنند. باز مردم خشمگین اعتراض می‌کنند و درگیری شروع می‌شود. صدای شلیک گوله ها با فریاد کارگران صیانی در هم می‌آمیزد و سرانجام مرد متفرق می‌شوند و و اندام ها متصرفین بوده شده و عده ای دیگر را دستگیر می‌کنند و به اصفهان می‌فرستند. تعداد زخمی ها بسیار زیاد بوده است. همچنان مرد هراتر این ظلم شخصی دیگری حد و مرزی نداشت. در حالی که دولت با اعلام حکومت نظامی مشغول به تیر و پند بود مرد مهمتره و همیران بودند کلاک این نظام چهار و مکنی به سر نیزه چه بکنند. روز بعد ساواکی ها به شهرک هجوم آوردند و عده زیادی از اهالی و کارگران را با خود بردند. اکنون با وجودی که بنده ماه از نداشتن می‌گذرد در زمین شهر و روستا ای اطراف آن و همچنین و به خصوص در خود کارخانه ذوب آهن مبارزه خشمگین کارگران زمین شهر با و اندام ها و جنایات رژیم به قصد دفاع از فاسدترین عناصر به صورت کابوسی فراموش نشدنی با تفسیر ای گوناگون روز زبان ما است. صبح توین قشربان کارگران به این نتیجه می‌رسند که ریشه الم رستم بی اندازه در خود وجود رژیم کمونی است براه نجات رادر مبارزه دسته جمعی علیه آن باید جستجو کرد.

و خانه های مردم را خراب می‌کنند و در مقابل اعتراض مردم علنا درواست باج سبیل و رشوه می‌کنند. در همین دوران وینا و بنابر اظهار اهالی و مأموران شهرداری از بیک از صاحبان خانه ها بیش از ۲۰ هزار تومان اخاذی کرده اند تا دست از سر آن بردارند. اما با این حال باز هم از مزاحمت و تخریب خانه دست برنداشته اند. به تازگی رسد که حال رجال رژیم برای کردن زمین مردم صبری ناید بر است.

۱۱- مشکل صکن را رژیم خلقی ناه نمی تواند حل کند

اقتضای که در آمار سال ۱۳۵۱ روزی کاغذ برای ایجاد ۲۲۵ هزار واحد سکونی پیش بینی کرده بودند و سال بعد به علت تورم شدید و اوانی غیر العاده زمین و مصالح ساختمانی به نسبت ارزش آن تقلیل یافت و به تازگی که کار ساختن در بعضی خصوصاً تقریباً متعطل شد. از سوی دیگر با گرفتن سیاست نژاد پرستی رژیم بیشتر مصالح ساختمانی به سوی مراکز نژادی سرانبر آورید. این امر سبب شد در طی سال های ۱۳۵۲ و ۱۳۵۳ دولت بزرگانه ساختمانی به کسی ندهد. این که در مدت چهار سال که از آغاز برنامه پنجم می‌گذرد دولت نوز توانسته است نیمی از تعهد ناچیز خود را در زمینه ایجاد واحد های سکونی اجرا کند و یکی و فقط یکی از نتایج سیاست نده خلقی رژیم و از سمت این سیاست و نقشی است که به عنوان و اندام امیرالیم بر این قسمت از جهان به عهده گرفته است. یک آهسته پیانده پیشه! ماسالی بیش از بیست میلیارد دلار تقصیر در آتد نقشی داریم. آیا با سرمایه گذاری وسیع در امر ساختن با ایجاد کارگاه ها و کارخانه های تولید صکن و با جلوگیری از فعالیت ها در زمین خواران و شرکت ها و انحصارهای ساختمانی به دادن وام از این اموال دولت به زمینکشان برای ایجاد خانه ها با حمایت از مستاجران و جلوگیری از فرار دسترنج آن انی توان مشکل صکن را حل کرد؟ طبیعی است این از عهده رژیم نده خلقی محطد رضا شاه خارج است. مشکل صکن را فقط رژیم می تواند حل کند که نماینده مردم باشد.

۱۲- حکومت نژادی در زمین شهر اصفهان

ماجرای اعلام حکومت نژادی در زمین شهر اصفهان که به دنبال یک انفجار خلقی رخ داد همانند بسیاری از اذهار و رویداد های که جانی از نژاد ای و خشم همین مردم نسبت به رژیم فاسد و ممال ظالم آن است به روزنامه ای دربار موجود راه نیافت و با دقت برده بزنوی شد. زمین شهر در ۲ کیلومتری کارخانه ذوب آهن اصفهان واقع است در گذشته تنها یک قریه کوچک بود اما اکنون اتاقتنا کارگران و حتی کارشدان مهاجرین شده است که از نقاط مختلف کشور به این کارخانه روی آورده اند. آنچه که در این شهرک بیش از دیگر نژاد تیره می‌کند دستگاه مرز و با

**۱۳- سوء استفاده ۴۰۰ میلیون تومانی**  
 در میان بزرگای سیاسی که نیک به نحوی فساد و خباثت و بلیدی این رژیم بد خلقی و لغو و انمار آنرا افشا می کند و مرکز بهای خواهد ریاری راضی باشد و خبر سوء استفاده و دزدی کلان های صمیمی و استناد ارسا بسبق غورستان و کرمانشاه قابل توجه و قابل است.

برونده سوء استفاده و سرقت ۴۰۰ میلیون تومانی طی صمیمی به عنوان بزرگترین سوء استفاده در تاریخ دادگستری ایران و مدتی است در دیوان کفر مطرح است و خود صمیمی نیز در بازداشت به سر می برد. صمیمی همواره از کارگزاران مورد اعتماد رژیم بوده و مدت ها در پست های سیاسی و بین حکومتی پست مدیر شرکت واحد اتومبیلرانی و معاونت وزارت اطلاعات استناد اری کرمانشاه و سرانجام استناد اری و وزستان در دست به دارد و غارتگر شاه و بیانته صالح طبع و سلطنت شرکت داشته است. این که در میان این همه دزد و خائن و سوء استفاده چی برنده این عزیز در دانه دیروز و مذکور امروز رژیم به دادگستری رفته و دلیل روشنی دارد. از در غارت کلان در از سرقت طی و کیدن خون مردم و شاه و اشرافیان اهراسیم نکرده و حق و سبب لازمه نبرد استقامت. و دلیل این که در بر زمین سوء استفاده کلانی نیز منتشر نشده و رژیم برای تا به خود و تمسوق رقیب مردم دست به چارو جنجال و تبلیغات کرکند. بر این آن نکرده است و تنها این است که در بار امید و اراست بی آن که سرود ای زیادی بر شیر و باز بر فشار قرار دادن استناد ارسا بسبق صمیمی و در ارباب و دزدی عملیاری او دریافت دارد. در آن صورتی است که همان اهراسیم است استناد اری زرد و مغلوب تمام می شود و پست حساس تری در اختیار قرار می آید.

گرفته اند و برای خویش خدمتی به ارباب دیوانه و جنایتکار خود در بر فرصتی به آزار و اذیت زندانیان سیاسی می بردند که تازه ترین نمونه آن همین وحشیانه گارد شهرهای و پلیس زندان دیروز چهارم آبان به زندان شماره ۴ خمر است. زندانیان شاه به زندانیان سیاسی فشار آوردند که باید در روز چهارم آبان کسالت روز تولد شاه است در داخل زندان جشن بگیرند. پرواز است که این پیشنهاد اهلپایانه و دیوانه باور شدند تسخیر و بی اعتمادی زندانیان روسرو شد. آن ها که به خوارگوشی برای برافکندن نظام صومالی و بیگانه سازی شاه و قطع دست این بزرگترین و تمسک ازین خان تاریخ ایران از چارو و تاراج و خیانت به زندان - افتاد ماند و چگونه می توانست این سالروز شوم و نکبت بار را که به حق روز عزای مردم ایران است جشن بگیرند!

وقتی پیشنهاد آمرانه زندانیان با سکوت ریشخند آمیز زندانیان روبرو شد و پلیس به زندان شماره ۴ قهر صوم بود و زندانیان را با انواع وسایل زیر و کبارکک گرفت. هفته بعد خانواده های کمیستاقا سخنران اسیر خود رفتند آثار ضرب و شتم و شکنجه زندان شام را بر سر و صورت کبود و مجروح و متروم آن ها دیدند. ششم خانواده ها در این روز همراه اشک مادران فدای خم انگیز ایجاد کرده بود. و بیگانه دیوانه معلوم نیست از جان فرزندان خلقی های زجر دیده مانده می تواند. آیا این همه بی شرفی و سفاکی در دنیا دنیا تا به یاد دارد؟ بی شک نه.

برای آزادی این بهترین و آزاده ترین و اندیشمند ترین فرزندان خلقی های ایران از چنانال روز خیانت شاه ضد شعور رژیم خائن و خون آشام شامرا براندازیم.

**۱۰- تبلیغ به نفع نظامیگری**

قلمی به بر عامل تلویزیون به برخی از تهیه کنندگان برنامه های تلویزیونی محرمانه دستور داده که هر چه بیشتر برنامه های درباره وایپما و وایپمای تهیه کنند و مردم را به اعتنانت حلاقند و به ویژه جوانان را به رفتن به نیروی وایپما تشویق نمایند.

سیاست بی بند و بار تبلیغاتی رژیم در انواع وایپما های جنگی مدرن رگستر بی وقفه پایگاه های وایپما و غیره را همراه نیروی فسانی روز افزونی برای کار و ارتش به ویژه نیروی وایپما می کند تا که علاوه بر پد بر نکرده ها وزارت مستشارت های امریکایی چارهای جز تشویق و توجیه بیشتر جوانان به پیوستن به ارتش ندارد و صفحات مطبوعاتی آن همی است. نام در ارتش روزنامه بهترین گواه آن است.

احتمالی رقم همه این تبلیغات بر سر و پا در روز جوانان کمتری به رفتن به ارتش و با وجود حقوق های گزافی که می دهند و قیمت نشان می دهند و این به دو دلیل است. یکی این که جوانان نمی خواهند گوشت دم توپ برای سفاک رژیم بپسندند. شامخاشای باشند و دوم این که نفرت فزاینده آن ها به تیره و خنجه ۷

**۱۴- هجوم تازه جلادان شاه به زندانیان سیاسی**  
 جلادان و زندانیان شاه از این جنایتی نسبت به زندانیان سیاسی فرو گذار نمی کنند. آن ها در روز عرصه را بر این فرزندان قهرمان خلق که فدای جز آزادی و وایپما و دشمنی با وطن فریضی و بیانته دارند و تنه می کنند. حدود دو سال است که به جز تعدادی انگشت شمار هیچ زندانی سیاسی که در به محکومیتش با پایان رسیده آزاد نشده. کمتر خانواده و فامیلی است که با یک زندانی سیاسی نداشته باشد. رژیم که تا مدت ها و شش روز افزون خانواده ها است و برای فریب آن ها هر چند نامطمین می کند که فلان مقدار از محکومان دادگاه های نظامی آزادی می شوند و اما در واقع این فریبی نیست. رژیم با این فریب و تقلب می خواهد امید وایپما خانواده را راه آزادی فرزندان شان حلقه کند ولی در واقع فقط زندانیان و تا باقیان و در دامن حصول هدفشان می شوند و آزاد می گردند. اما زندانیان و قبیح و در وایپما که عزیزترین فرزندان این آجودان راه اسارت